

راه کارهای صوفیان برای تامین هزینه‌های مادی خانقاه‌ها در طریقت‌های مشترک چشتیه، سهروردیه، کازرونیه و کبرویه ایران و هند قرون هفتم تا نهم قمری (نقش سلاطین و عامه مردم در تامین هزینه‌ها)

چکیده:

طریقت‌های چشتیه، سهروردیه، کازرونیه و کبرویه به عنوان مهم‌ترین جریان‌های تصوف در شبه‌قاره هند و ایران قرون هفتم تا نهم قمری به شمار می‌روند که در بسیاری از نقاط ایران و هند خانقاه‌هایی تاسیس کردند و پیروان بسیاری فراهم آوردند. خانقاه‌های طریقت‌های مذکور مکان زندگی برخی از اقطاب، بزرگان و مشایخ طریقه بود و همواره بسیاری از مریدان ملازم آنها بودند و افرادی نیز به صورت روزانه برای رفع نیازهای معنوی و مادی خود به خانقاه آنها مراجعه می‌کردند. برخلاف تصور رایج زندگی صوفیانه مبتنی بر زهدگرایی صرف نبود و صوفیان برای رفع نیازهای روزمره مادی، به تامین هزینه‌هایشان احتیاج داشته‌اند. مقاله پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ دادن به این استکه هزینه‌های مالی طریقت‌های مذکور در شبه‌قاره هند و ایران چگونه تامین می‌شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که قسمت عمده هزینه‌های خانقاه‌های صوفیانه چشتیه، سهروردیه، کازرونیه و کبرویه به وسیله کمک‌های کالایی و نقدی دریافتی از سلاطین شبه‌قاره هند و ایران، فتوح روزانه عامه مردم و پرداخت‌های کلان بازرگانان تامین می‌شد و از این لحاظ میان این طریقت‌ها اشتراکات فراوانی وجود داشته است.

کلید واژگان:

تصوف، خانقاه، فتوح، سلاطین، بازرگانان، هند، ایران.

- بیان مسئله

ایران و شبه‌قاره هند در خلال قرون هفتم تا نهم قمری طریقت‌های صوفیانه معروفی به خود دیدند که از آن میان می‌توان به چشتیه، سهروردیه، کازرونیه و کبرویه اشاره کرد. رواج و رونق طریقت چشتیه که در خراسان ایران سربرآورده بود، در شبه‌قاره مرهون تلاش‌های خواجه معین‌الدین چشتی (۵۳۷-۶۳۲ق.) بود. طریقت چشتیه علاوه بر اجمیر، در دیگر نواحی هند همچون دهلی، گجرات، ناگور و بنگال اشاعه یافت. طریقت سهروردیه که به شیخ ابوحفص سهروردی (ح ۵۳۹-۶۳۲ق.) و یا عموی وی ابونجیب سهروردی (۴۹۰-۵۶۳ق.) منتسب است، در سده ششم در بغداد بنا گذاشته شد؛ ولی به سرعت در نواحی غربی، مرکزی و جنوبی ایران گسترش یافت. ورود این طریقت به شبه‌قاره هند مدیون تلاش‌های بهاء‌الدین زکریا مولتانی (۵۶۶ یا ۵۷۸-۶۶۱ یا ۶۶۶ق.) بود. طریقت کازرونیه که با نام‌های مرشدیه و اسحاقیه نیز معروف است، در نیمه دوم سده چهارم هجری با مجاهدت ابواسحاق

ابراهیم بن شهریار کازرونی (۳۵۲-۴۲۶ق) در ایالت فارس پایه‌ریزی شد و به تدریج علاوه بر کل صفحات جنوبی ایران، به دیگر نواحی دور و نزدیک نیز از مغرب تا بین‌النهرین، آناتولی و شامات و از مشرق در سرزمینهای ساحلی اقیانوس هند، از هند تا مالاکا، اندونزی و چین تسری پیدا کرد. آغاز نفوذ این طریقت در شبه‌قاره هند مرهون مساعی و مجاهدت‌های شیخ صفی‌الدین، برادرزاده ابواسحاق کازرونی بود که به عنوان نخستین صوفی این طریقت به هند مهاجرت کرد و در اوچه‌سکونت گزید. طریقت کبرویه، از دیگر طریقه‌های بزرگ متصوفه در ایران و هند، به نجم‌الدین کبری (۵۴۰-۶۱۸ق.) منسوب است که بدرالدین سمرقندی (د. ۷۱۶ق.) با استقرار در دهلی و تبلیغ عقاید خود، آن را به هند منتقل ساخت و بعدها بزرگانی نظیر سیدعلی همدانی آن را در کشمیر تبلیغ نمودند و مردم بسیاری به آن گرویدند.

بیشترین تمرکز جامعه علمی بر روی تصوف به عنوان یک پدیدار مذهبی، مربوط به حوزه‌های روحانی آن همچون سیر پیدایش تصوف، شرایط سلوک، مقامات سلوک و عرفان، تفاوت صوفی، زاهد و عارف، معرفی طریقت‌های صوفیانه و قس‌علی‌هذه می‌باشد. آنچه که در این میان از نظرها دور مانده، زندگی غیرروحانی صوفیان و چگونگی انجام آن است. چنین انگاشته می‌شود که صوفیان به شدت دنیاگریز بوده و در فقر و فاقه جانکاهی به سر می‌برده و از تنعم و فراخی بهره‌ای نداشته‌اند. این انگاره، سیمای آرمانی صوفیان و مبحث تصوف را شکل داده، به گونه‌ای که شکستن آن و به نمایش درآوردن برخی از جنبه‌های زندگی غیرروحانی صوفیان به سختی امکان‌پذیر است و از لحاظ روانی نیز باور آن برای بسیاری از افراد تا حدودی غیرممکن است. زیرا در ناخودآگاه جمعی با سخن رفتن از صوفی، تصویری که تداعی می‌شود یک بُعد آن پیری روحانی است که از سیمایی کاریزماتیک برخوردار بوده و توانایی دخل و تصرف در طبیعت و حتی ماوراء آن را دارد و بعد دیگر آن درویشی آواره است که از مال دنیا و آنچه که رنگ تعلق پذیرد، عاریست.

زندگی غیرروحانی افراد وابسته به طریقت‌های صوفیانه دارای دو بعد فردی و خانقاهی/طریقتی است. آنها نوعی از زندگی انفرادی را تجربه می‌کردند که شامل عبادات و ریاضاتی می‌شد که گاه به کمک خانقاه و گاه بیرون از محیط آن صورت می‌گرفت؛ و دیگر نوعی زیست همگانی در درون خانقاه و در کنار برخی از افراد طریقت بود که شامل رعایت کردن نکات و ریزه‌کاری‌های اجتماعی و عرفانی فراوانی می‌گردید. بالطبع زیست در درون خانقاه با نوعی الزامات مادی همراه بود و صوفی در هیبت یک انسان‌تارک دنیا مصارف روزانه داشت: روزی دو یا سه وعده غذا تناول می‌کرد (به غیر از ایام صیام)، سر و سیمای خود را متناسب با پوشش‌های رایج می‌پیراست و تن را با

1. ochh

۲. اصطلاح مادی و اجتماعی موضوع را به صورت کامل شامل نمی‌شود و اصطلاح اقتصاد نیز برای چنین موضوعی تا حدودی نامأنوس است. به سبب پرهیز از بار معنایی اصطلاحاتی نظیر مادی و اجتماعی و اقتصادی، این اصطلاح به کار رفته است.

جامه‌های متداول می‌پوشانید(به غیر از قلندارن و ملامتیان).علاوه بر آن، افراد بسیاری هر روز برای دریافت وعده‌های غذایی و یا دیگر ملزومات به خانقاه‌ها مراجعه می‌کردند و باید برای آنها خوراک و پوشاک تدارکات دیده می‌شد.

به‌ندرت تأمین الزامات زندگی غیرروحانی صوفیان مورد تحقیق قرار گرفته است. بالطبع صوفیانی که پیرو طریقت-های مشخصی بوده‌اند، در زندگی خانقاهی مشارکت داشته و باید هزینه‌های زندگی آنها از راه‌های ممکن و گوناگونی تأمین می‌شد. ساخت و ساز خانقاه و الزامات زندگی خانقاهی و یا زندگی در سایه یکی از طریقت-های یادشده به صوفی این اجازه را می‌داد که با نوعی اطمینان خاطر و آرامش روانی به پیش‌برد نیازهای مادی و انجام امورات مذهبی و جذبه‌های روحانی خود بپردازد. سوالات این جستار عبارت‌اند از اینکه هزینه زندگی صوفیان در خانقاه‌ها از چه راه‌هایی تأمین می‌شده‌است؟ صوفیان برای امرار معاش خود به چه نوع دریافت‌هایی محتاج بوده‌اند و این دریافتی‌ها از چه راه‌هایی و به‌دست چه کسانی فراهم می‌آمده‌است؟ تمرکز جستار حاضر بر دریافت‌های کالایی و نقدی صوفیان است که در اصطلاح از آن به عنوان "فتوح" یاد می‌کردند.

تا کنون درباره برخی جنبه‌های زندگی مادی صوفیان پژوهش‌های اندکی انجام شده‌است: سوقندی به تأثیرات فتوت و ملامتیه بر اقتصاد نیشابور در قرن ۴ق پرداخته و ثابت کرده که عزلت‌گزینی صوفیان نیشابور بر تجارت و رونق صنعتی شهر تأثیر منفی داشته‌است. الواری تأثیر مسائل اقتصادی بر زندگی صوفیان تا قرن هفتم هجری را مورد مطالعه قرار داده^۳ و تأثیر کمبودهای مالی و انجام شغل در رفتار صوفیان دوران پیشاطریقتی را مشخص کرده است. صیامیان و دیگران به شیوه معیشت صوفیان در قرون پنجم تا هفتم قمری پرداخته‌اند و راه‌کارهای آنها برای تأمین هزینه‌های زندگی مادیشان^۴ و چگونگی اطعام واردین در خانقاه را به بحث گرفته‌اند. معصومی به کمک مالی غیاث الدین فیروزشاه تغلقی به خانقاه‌های چشتی و کمک‌های محمد بن تغلق به خانقاه‌های سهروردیه سخن رانده

^۳ . محمد رضا سوقندی و دیگران (۱۳۹۹)، «واکوی تأثیر فتوت و ملامتیه بر اقتصاد نیشابور قرن سوم و چهارم هجری»، پژوهشنامه تاریخ، شماره ۵۹.

^۴ . زینب الواری هابیل (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر مسائل اقتصادی بر زندگی صوفیان مسلمان تا قرن هفتم هجری»، دانشگاه رازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

^۵ . زهیر صیامیان گرجی، عباساحمدوند و سمیه شیرین‌عظیمی (۱۳۹۶)، «شیوه‌های معیشت صوفیان در ایران قرون میانه (۷-۵ق)»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره اول.

است. عالمی از دشمنی محمد بن تغلق و پرهیز صوفیان از برقراری ارتباط با وی و دربارش گفته است.^۷ شریفی به صورت کلی به کارهای اقتصادی صوفیانو مشاغل برخی از آنها پرداخته است.^۸ موسائی به سیاست و اقتصاد طریقت نقشبندی در دوره تیموری پرداخته و نشان داده که چگونه برخی از بزرگان این طریقت در ایران دوره تیموری با برقرار کردن رابطه با افراد برجسته خاندان تیمور توانستند برای خود ثروت زیادی فراهم آورند. آل‌هیاری و دیگران نیز به کارکردهای تجاری طریقت نقشبندی در دوره تیموری پرداخته و در بسیاری موارد مطالب آنها به نوشته‌های موسائی شباهت دارد.^{۱۰}

همه این پژوهش‌ها از چند جهت با متن پیش‌رو متفاوت هستند؛ نخست بازه زمانی است که بیشتر آنها به مقطع قبل قرون هفتم تا نهم قمری پرداخته‌اند و هیچ‌کدام از آنها توجه‌ای به طریقت‌های نامبرده نداشته‌اند. دیگر آنکه از لحاظ جغرافیایی نیز گستره نوشتار پیش‌رو با پژوهش‌های ارائه شده دارای تفاوت اساسی است و دامنه آن جغرافیای ایران و هند را شامل می‌شود. علاوه بر آنها نیز مسائلی که در پژوهش به آنها پرداخته شده به ندرت مورد توجه پژوهش‌های یاد شده قرار داشته‌اند. از لحاظ تنوع منابع نیز متن پیش‌رو با این آثار دارای تفاوت است زیرا از بسیاری از نسخ خطی و چاپ سنگی که به ندرت مورد استفاده قرار گرفته‌اند، بهره برده است.

- دریافت‌کالایباز دربارو عامه مردم (و بازرگانان)

یکی از دریافت‌های کالایی صوفیان که می‌توانسته به عنوان یک منبع درآمد به شمار بیاید، کالاهای گران‌قیمت است که معمولاً از طرف سلاطین و درباریان و یا بازرگانان به آنها هدیه می‌شد. این کالاها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: مهمترین این عطایا عبارت بودند از اسب، ردای فاخر، طاقه‌های پارچه و مصلی مطرز. گزارش‌های قلیلی در این زمینه در دست است که بیشتر در باب طریقت چشتیه و سهروردیه در هند است (قلندر، بی‌تا، ۱۲۶؛

^۶. محسن معصومی و سعید شیرازی (۱۳۹۲)، «مناسبات سلاطین دهلی با مشایخ چشتیه و سهروردیه»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، شماره یکم.

^۷. خدیجه عالمی، مظهر ادوای و حسین نظری (۱۳۹۴)، «نقش تصوف در ترویج رویکردهای اسلامی در حکومت سلاطین هند»، نامه فرهنگستان، ویژه‌نامه شبه‌قاره، شماره ۵.

^۸. شریفی، محدثه (۱۳۹۴)، «نسبت تصوف و اقتصاد، مطالعه موردی: صوفیان و مشایخ نقشبندی»، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.

^۹. سعیده موسائی (۱۴۰۰)، «عملکردهای سیاسی و اقتصادی نقشبندیه در عصر تیموری»، تهران، آرمان پژوهان.

^{۱۰}. فریدونالهیاری، مرتضی نورایی و علی رسولی (۱۳۸۸)، «طریقت و تجارت: کارکردهای تجاری نقشبندیه در دوره تیموری»، تاریخ اسلام و ایران، شماره ۴.

علوی چشتی، بی تا: ۴۵/۲). در باب اینکه چنین کالاهایی به بزرگان کبرویه و یا کازرونیه اعطاء شده، هیچ شاهدهی در دست نیست؛ اما نمی توان به سبب این فقدان مدعی شد که به بزرگان این طریقت ها از این گونه عطایا صورت نمی گرفت. واکنش های طریقت چشتیه به این عطایا به گونه ای نیست که بتوان از آنها نگرش خاصی استخراج کرد و تعلق خاطر طریقت سهروردیه به دربار و این نوع از عطایا نیز در ذیل همان نگرش سیاسی آنها، قابل تبیین است. البته باید گفت که قبول و یا رد این عطایا از سوی صوفیان و انواع و مقدار و کیفیت آنها، نوعی پیام میان اعطاکننده گان هدایا و صوفیان رد و بدل می کرده است. در دوران متقدم تصوف در ایران و عراق هیچ گاه اسب به عنوان هدیه به نزد صوفیان فرستاده نشده است و در قرون هفتم تا نهم قمری اگر این عمل صورت می گرفت (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۱۰۲-۱۰۳) بیشتر به سبب قالب شدن سنن ترکی-مغولی است تا اهمیت اسب برای صوفیان، اما در هند به سبب اهمیت دیرباز اسب در این سرزمین (طبری، بی تا، ۳۳/۸) و وارداتی بودن آن (حسینی نژاد، ۱۳۹۹: ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷)، کالای ارزشمندی محسوب می شد و هدیه کردن آن برای طرفین احترام و اعتبار به همراه می آورد.

یکی دیگر از دریافتی های صوفیان که ذی قیمت بود و از لحاظ مادی و معنوی ارزشمند به شمار می رفت، طاقه های پارچه و تشریف های شاهانه ای است که در پاره ای اوقات در دربار به بزرگان آنها بخشیده می شد و در مواقعی دیگر به خانقاه های آنها ارسال می گردید. از برخوردهای صوفیان با این نوع از عطایا نمی توان نظری نظام مند استخراج کرد و رفتارهای آنها در این زمینه بیشتر متأثر از شخصیت خودشان و اوضاع سیاسی و اقتصادی زمانه است. بزرگان طریقت چشتیه رابطه ای دو پهلو در این زمینه داشته اند؛ اگر چه شواهدی در دست است که بزرگان این طریقت در ایران قرن پنجم _ که هنوز به صورت قدرتمندی بسط نیافته بود _ چنین هدایایی دریافت می کردند (جامی، ۱۳۹۰: ۲۲۴)، اما در ادامه و در قرون مورد بررسی آنچنان در ایران قدرتمند نبوده که چنین عطایایی به آنها داده شود، در هند نیز آنها گاهی این هدایا را می پذیرفته و گاهی رد می کرده اند (علوی میرخورد، ۱۸۸۵: ۲۴۷-۲۵۶؛ محدث دهلوی، ۱۳۸۰: ۸۷-۸۹؛ غوثی شطاری، ۱۹۴۴: ۵۶؛ خویشگی: ۱۱۶-۱۱۸). بزرگان طریقت سهروردیه در ایران از این نوع تحف استقبال می کردند (کرمانی، ۱۳۴۷: ۵۰) و در هند نیز از پذیرش این نوع هدایا درنگ نمی کردند، به عنوان نمونه در یک مورد جامه های الوان (سی و چهار دست) توسط پادشاه وقت برای مخدوم جهانیان (ملفوظات جلال الدین مخدوم جهانیان، بی تا: ۹۵ ب، ۹۶ الف) فرستاده شد و وی با گشاده رویی و عطوفت آنها را پذیرفت. در موردی دیگر مصلی گرانسنگی برای وی ارسال شد و وی آن را در همان مجلس به کار گرفت (همان: ۸۹ ب). در این زمینه درباره طریقت کازرونیه در هند و ایران هیچ سندی در دسترس نیست؛ اما درباره کبرویه هند به نظر می رسد که این مهم انجام می شد و در یک مورد سلطان محمد بن تغلق سجاده ای

بلغاری به شیخ شرف‌الدین یحیی منیری هدیه داد و او با خرسندی آن را پذیرفت (مناقب‌الاصفیا، ۱۳۹۰: ۳۴۲-۳۴۴). کبرویه ایران نیز به لطف نقشی که در اسلام‌پذیری غازان خان ایفا کردند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۰۸/۳)، از این عطایا بهره‌مند می‌شدند. از لحاظ اقتصادی این عطایا مهم بودند؛ زیرا در بسیاری موارد در همان مجلس بین یاران توزیع و یا فروخته می‌شد و عواید آن - که گاه با مبالغ بالایی خریداری می‌شدند هم به سبب حرمت نهادن به پیشکشی سلطانی و هم به سبب برکات انفاس صوفیان در آن - صرف نیازهای روزمره صوفیان می‌شد (سرور لاهوری، ۱۸۹۴: ۳۴۱/۱).

دریافتی‌های کالایی مردمی تقریباً همه روزه دایر بود و روزانه افراد برای کمک به خانقاه بر آستانه آن حاضر شده و پیشکش‌های خود را که از تنوع و کمیت و کیفیت گوناگونی برخوردار بودند، به صوفیان اعطا می‌کردند. خانقاه‌هایی که بیشتر مردمی بودند و در اطعام مردم فقیر بیشترین نقش را ایفا می‌کردند، بالطبع دریافتی‌های کالایی بیشتری داشته‌اند، اما آنچه که در باب اعطای هدیه‌های کالایی جالب توجه است، همگانی بودن و شمولیت بالای آن است، تا جایی که می‌توان گفت مواد خوراکی به صوفیان برجسته و گمنام هر کدام از طریقت‌ها، خاندان‌های بزرگ نظیر خاندان احمد جام در خراسان، و به خانقاه‌های ساخته شده توسط حکومت که معمولاً در اختیار صوفیان بیرون از طریقت‌های معروف قرار می‌گرفت، داده می‌شد و در این زمینه تنها تفاوت احتمالی، کمیت و تنوع این مواد خوراکی اعطایی بوده است. علاوه بر این به‌نظر می‌رسد که دریافت‌های کالایی از مردم به سبب فراوان بودن آن و به نوعی عادی بودن آن، به ندرت مورد توجه‌قرار می‌گرفت و آنچه در این زمینه در منابع یافت می‌شود، مبتنی بر گزارش‌های غیرمستقیم است. متون صوفیانه که درگیر بحث‌های عرفانی می‌باشند، به ندرت از آمدن فردی به خانقاه و کالای پرداختی وی سخن گفته‌اند، مگر آنکه این پیشامد در هنگامه جذبه‌ای و یا در تقارن با رویدادی دیگر اتفاق افتاده باشد و جزیی از ساختار یک داستان جالب صوفیانه باشد.

درباب دریافتی‌های طریقت چشتیه، به‌رغم مردمی بودن این طریقت، داده‌های اندکی در دست است (جمالی-دهلوی، بی تا: ۴۷، ۵۸، ۶۲، ۷۹، ۹۰). بیشترین دریافتی کالایی گزارش شده در باب طریقت سهروردیه (مانند طریقت کبرویه) مربوط به اعطای کالایی درباری است (کرمانی، ۱۳۴۷: ۶۲، ۶۳، ۱۹۲). به نظر می‌رسد اینکه در هند در باب دریافت‌های طریقت‌های سهروردیه (و کبرویه) سخنی نرفته است، بیشتر مربوط به سبک نگارشی ادبیات آنها است تا عدم چنین پرداخت‌هایی.

بیشترین گزارش‌هایی که در باب دریافت مواد خوراکی در دست است، مربوط به طریقت کازرونیه و آن هم در دوران خود شیخ ابواسحاق کازرونی است و به نظر می‌رسد نتوان از آن برای نتیجه‌گیری در باب تمامی دوره مورد بررسی استفاده کرد. اما می‌توان ادعا نمود که این سنت به احتمال و به پیروی از سنن شیخ در طریقت دوام داشته

است.^{۱۱} البته برخی از دریافتی‌های خانقاه‌های طریقت‌کازرونیه در ایران و هند هدایایی بود که بازرگانانی (و برخی از عامه‌مردم) که برای تجار و یا سیاحت به گوشه کنار جهان می‌رفتند و در هنگام گرفتار شدن در مصیبت دریایی و یا خشکی، به شیخ ابواسحاق کازرونی دخیل می‌بستند، به نشانه شکرانه به خانقاه‌های طریقه کازرونیه تحویل می‌دادند (بن‌عثمان، ۱۳۵۸: ۱۵۰-۱۵۹). به نظر می‌رسد در طریقت کازرونیه شاهد دو نوع "فتوح" به درگاه خانقاه هستیم: نوع اول که نقود بود و نوع دوم مواد خوراکی‌ای است که عامه‌مردم (وبازرگانان) به این خانقاه اعطاء می‌کرده‌اند و انواع و اقسام مختلف داشته و نظیر آن در باب دیگر طریقت‌ها گزارش نشده‌است. طریقت کبرویه در زمینه این دریافت‌ها نیز اطلاعات اندکی به دست می‌دهند (باخزری، ۱۳۸۳: ۲۱، ۲۰، ۲۷۴) و به نظر می‌رسد بیشتر از اعطای کالایی درباری مستفیض می‌شده‌اند و تنها گزارش‌های در دست است که نشان می‌دهد در برخی مواقع به خانقاه‌های این طریقت از این قبیل اجناس اعطاء می‌گردید (همان: ۲۰).

- دریافتی‌های نقدی از دربار و عامه‌مردم

پیشکش‌های گران‌قیمت درباریان به صوفیان در دوران مغول در ایران از همان آغاز مورد توجه بود (جوینی، ۱۳۸۵: ۵۸/۱) در هند نیز بیشترین گزارش‌ها درباره دریافت از سلاطین و درباریان، مربوط به طریقت چشتیه است؛ با این حال نمی‌توان با استناد به کمبود و یا نبود داده‌ها مدعی شد که دیگر طریقت‌ها این حجم از عطایا را دریافت نمی‌کرده‌اند؛ زیرا میان آنها و سلاطین دهلی رابطه خصمانه‌ای برقرار نبوده‌است (معصومی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۲). سیاست‌های برخی از این طریقت‌ها نظیر سهروردیه که مناسبات خوبی با برخی از سلاطین در شبه قاره هند (معصوم‌بکری، ۱۳۸۲: ۱۴۸) و ایران داشتند (نسوی، ۱۳۸۴: ۲۰)، بر مبنای دریافت این عطایا بود (معصومی و همکاران، ۱۳۹۲: صفحات متعدد) و طریقت کازرونیه (ابن بطوطه، ۱۴۱۷: ۱۶۶/۳) و کبرویه‌نیز که با دربار در ارتباط بودند، نظری مثبت به این مال‌های سلطانی داشته‌اند. همچنین فقدان داده در باب کمک برخی از سلاطین به صوفیان را نمی‌توان به این معنی تفسیر کرد که تنها تعداد مشخصی از سلاطین به صوفیان کمک می‌کرده‌اند (آن‌چنان که مطالب تنها در باب تعداد اندکی است) و از این فقدان نمی‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که سلاطینی که در باب کمک آنها مطلب در دست نیست، با صوفیان دشمنی داشته‌اند. از انگیزه‌های سلاطین به صوفیان نمی‌توان به صورت قطع یقین سخن راند (گاهی یک پیروزی نظامی، گاهی تولد فرزندی و گاهی فرح زودگذری) و نمی‌توان گفت فلان پادشاه به صرف نیاز به فلان کنش صوفیانه، به فلان طریقت کمک کرده‌است، یا برای اینکه در دربار مقبولت بیابد یا در میان مردم اعتباری به هم بزند به صوفی خاصی اتحاف کرده است؛ زیرا

^{۱۱}. محمود بن عثمان در فردوس المرشدیه به از بین رفتن این سنت با دروغ و افسوس یاد نکرده که می‌تواند دلیل باشد بر وجود آن در زمان خود وی.

مشخص نبود که آن صوفی حتی اگر مورد اقبال عموم بوده چقدر می‌توانسته در جامعه نفوذ داشته باشد و یا حمایت از وی چه مزایا و یا معایبی برای پادشاه به ارمغان می‌آورد. یا اینکه شاهان به یک طریقت خاص و یا به بیش از یک طریقت کمک می‌کرده‌اند؟ به‌عنوان نمونه در هند پس از آنکه سیدی موله چشتی که از نفوذ زیادی در جامعه برخوردار (سرهندی، تاریخ مبارک‌شاهی، ۱۳۸۲: ۶۵-۷) بود به دستور جلال‌الدین خلجی (۶۹۵-۷۱۵ق) کشته شد (تتوی، تاریخ‌الفی، : ۴۲۱۳/۶) هیچ حرکت مردمی مهمی بر ضد سلطان شکل نگرفت. در مجموع در باب دریافت/عطایای نقدی صوفیان و نسبت آن با حوزه شاهی نمی‌تواناظهار نظر قطعی نمود. نخست آنکه مشخص نیست، منابع چقدر از مطالب در این زمینه را بازتاب داده‌اند و دیگر آنکه مشخص نیست مقدار ارقام و اعدادی که اعلام می‌شده تا چه حد واقعی است، سه دیگر آنکه مشخص نیست این اقدام فقط در روی کاغذ انجام می‌شده است یا نه؟ و آنکه مشخص نیست فرمان شاه در باب عطایا به صوفیان در دربار به چه صورت دایر می‌شد و در صورت نقصان در آن صوفیان امکان دادخواست داشته‌اند یا نه و اگر این امکان برای آنها فراهم می‌بود آیا سخن آنها به گوش شاه می‌رسید یا نه و در صورت رسیدن، شاه چه واکنشی نشان می‌داد.

بزرگان طریقت چشتیه در هند به دفعات از دریافتی‌های نقدی سلاطین بهره‌مند شده‌اند. اگرچه نمی‌توان به صورت تاریخی سیر این دریافتی‌ها را دنبال کرد، اما شواهد نشان می‌دهد به کرات از سوی سلاطین هند که بیشترین تمرکز این طریقت در حوضه جغرافیایی آن بود، کمک‌هایی به صوفیان اعطاء می‌شد (عباس‌رضوی، ۱۳۸۰: ۳۳۵؛ عفیف، ۱۳۸۵: ۴۱۸-۴۱۹؛ علوی چشتی: ۴۸/۲؛ ذوقی‌بلگرامی، بی‌تا: ۲۳؛ جمالی دهلوی، ۱۳۱۱: ۴۳ الف؛ استرآبادی، ۱۳۸۳: ۳۲۶-۳۱۹؛ بن طباطبا، ۱۹۳۶: ۴۳-۵۶؛ چشتی‌بلگرامی، ۱۳۱۰: ۲۳). شایان ذکر است، حجم مطالبدر باب دریافت‌های نقدی بزرگان طریقت چشتیه از سلاطین، از دیگر طریقت‌ها بیشتر است؛ اما در منابع و به تبعیت از آنها در بیشتر آثار تحقیقی، چنین القا شده که آنها کمترین ارتباط را با سلاطین داشته‌اند. در یک نگرش کلی می‌توان مدعی شد که طریقت چشتیه دریافت‌های سلطانی را به ندرت رد می‌کرده‌اند (سرورلاهوری، ۱۸۹۴: ۲۵۳/۱-۲۵۲)، چنانچه حتی در یک مورد تیمور در هنگام فتح هند مبالغ فراوانی را به خانقاه بابا فریدالدین گنج شکر تقدیم کرد (یزدی، ظفرنامه، ۱۳۸۷، ۹۰۳/۱) و وی نیز آن را پذیرفت. در باب دریافتی‌های چشتیان ایران از سلاطین مغول و تیمور گزارش چندانی در دست نیست، بجز آنکه در یکی دو مورد چشتیه هرات از سلاطین مغول ایران فتوحات فراوانی دریافت کرده‌اند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۳۲/۲-۱۳۴) که بیشتر در قالب وقف بوده‌است (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۷/۴).

ادبیات صوفیانه طریقت سهروردیه در ایران بیشتر تحت‌تاثیر حضور این طریقت در زمان بانی آن در بغداد است و حکایت‌سازی‌هایی که انجام شده بیشتر حول شخصیت وی و یا خانقاه‌های مرتبط با آنها در بغداد است و به‌رغم

حضور آنها در محافل درباری، در باب دریافتی‌های آنها از سلاطین ایران و هند داده‌های آنچنانی در دسترس نیست. اگر چه طریقت سهروردیه در ایران نیز از اهمیت فراوانی برخوردار بود و در ایران کانون‌های قدرتمند و پررونقی داشته، اما هیچ گزارشی از دریافت مستقیم آنها از سلاطین و درباریان، غیر از آنچه مربوط به زمان غازان‌خان (همدانی، بی‌تا، ۱۸۹-۱۹۱) و خواجه رشیدالدین فضل‌الله (همدانی، ۱۳۹۳: ۱۳۸-۱۴۰) است در دسترس نیست که آن موارد نیز بیشتر در قالب وقف اعطا می‌شد و تنها مختص به دوره مغول نبود و سنتی بود که از آغاز قرن هفتم وجود داشت (ابن فوطی، ۱۴۲۴: ۵۶). اگر چه شواهد فراوانی از تمول بهاء‌الدین زکریای مولتانی در دست است (جمالی دهلوی، ۱۳۱۱: ۹؛ علوی چشتی، بی‌تا: ۸/۲) و از رابطه وی با دربار سخن رفته (سجزی، ۱۳۸۶: ۲۰) اما هیچ داده مستقیمی در دست نیست که نشان دهد وی دریافت‌های نقدی از دربار سلاطین در هند داشته‌است. میان فرزندان بهاء‌الدین زکریا و سلاطین نیز رابطه حسنه‌ای برقرار بود و ملک‌زاده، محمد بن بلبن، به خانقاه صدرالدین پسر بهاء‌الدین زکریا مولتانی هدایای نقدی فراوانی می‌فرستاد (استرآبادی، ۱۳۸۷: ۴۱۰-۴۱۱) و در دو نوبت دیدار صدرالدین با سلطان علاء‌الدین خلجی (سرورلاهوری، ۱۸۹۴: ۴۸/۲) نزدیک به هفتصد هزار تنگه دریافت کرد (جمالی دهلوی، ۱۳۱۱: ۴۵ ب). شیخ سعد آاز عامل منطقه چندین هزار سکه گرفت (ذوقی بلگرامی، بی‌تا: ۸۵-۸۷). اعطای دو هزار نقره توسط سلطان وقت از طریق یکی از مریدان به جلال‌الدین مخدوم‌جهانیان (ملفوظات جلال‌الدین‌مخدوم‌جهانیان، بی‌تا: ۱۰۱ الف) در کنار بخشیدن مقدار فراوانی زر به مخدوم‌جهانیان از سوی خان جهان (علوی چشتی، بی‌تا: ۱۳۰/۲)، از جمله دیگر پرداختی‌های سلاطین هند به بزرگان سهروردیه است. همچنین از کمک‌های سلطان فیروزشاه به طریقت سهروردیه (به احتمال مخدوم‌جهانیان!) (سراج‌الهدایه، بی‌تا: ۱۱۲) نیز سخن رفته است. تفاوت سهروردیه با دیگر طریقت‌ها در این است که آنها در هند و ایران (سهم هند در اینجا بیشتر است) در دربارها حضور داشته‌اند و در این دریافتی‌ها از سلاطین نیز حضورشان می‌توانست موثر باشد. برخی از دریافتی‌های صوفیان در دربار شاهان بود که در این میان سهروردیه از بقیه محسوس‌تر است.

اگر چه شواهد اندکی در باب رونق خانقاه کازرونیه و توجه به آن در شبه‌قاره هند (برنی: ۱۱۱) و ایران (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲۲۶/۲-۲۲۵؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۸۰: ۶۱۲/۴-۶۱۵؛ فصیحی‌خوافی، ۱۳۸۸: ۳۱۷/۲؛ فسایی، ۱۳۸۳: ۳۳۷/۱؛ بن‌عثمان، ۱۳۸۰: ۵۵) در دسترس است، اما اشاره آنچنانی به پرداختی‌های سلاطین و درباریان به این طریقت در دسترس نیست. به نظر می‌رسد وضعیت کازرونیه در زمینه دریافت فتوح از سلاطین با دیگران متفاوت باشد. اندکی مطالب در باب این طریقت از یک سوی مربوط به دریافت‌های زمان خود شیخ ابواسحاق کازرونی (بن‌عثمان،

۱۲. مرید شیخ مینان، مرید سرهنگ/سارنگ، مرید سیدراجوختال، مرید مخدوم‌جهانیان

۱۳۵۸: ۱۷۴) و از سوی دیگر مربوط به ایران (روزبهان ثانی، ۱۳۸۲: ۵۸) است و به ندرت از پرداخت سلاطین در شبه‌قاره هند به این طریقت سخن رفته‌است.^{۱۳}

از فتوحاتی که به طریقت کبرویه اهداء می‌گردید، به ندرت در هند گزارش شده به‌جز آنچه که در باب شیخ شرف‌الدین یحیی منیری در دست است (مناقب‌الاصفیا، ۱۳۹۰: ۳۴۲-۳۴۳). در ایران به خانقاه کبرویه در دوره مغول عطایایی صورت می‌گرفت، اما این فتوحات به سبب پیوند طریقت با اسلام آوردن غازان، مهم است. به نظر می‌رسد این مهم که کبرویه از اوقاف بهره فراوان برده‌اند، در دریافت‌های نقدی آنها و در گزارش دریافت‌های نقدی تأثیر داشت. در جنوب شرق ایران، خانقاه‌های کبرویه در کرمان از حمایت مالی ترکان خاتون قراختایی (حک: ۶۸۱-۶۵۵ق) نیز مستفیض بوده‌اند (محرابی کرمانی، بی‌تا: ۷۹-۸۱).

طریقت چشتیه در دوران حیات خود تا حدودی به این فتوح مردمی که بنابر دلایل خاصی به خانقاه اعطا می‌شد، متکی بوده‌است. اگرچه منابع چشتیه در صدد بودند بزرگان چشتی را بی‌میل به این نوع از فتوح نشان دهند (بخاری دهلوی، بی‌تا: ۶۲؛ چشتی، ۱۳۸۶: ۹۵) و منبع تأمین هزینه‌های طریقت و خانقاه‌های آن را به کرامات صوفیانه مرتبط کنند (بخاری دهلوی، بی‌تا: ۶۲ و ۷۷؛ چشتی، ۱۳۸۶: ۹۵). اما آنها از لحاظ نظری مقبولیت فتوح را قبول داشتند (عمادالدین کاشانی، بی‌تا: ۳۷) و به عامه مردم توصیه می‌کردند که به خانقاه کمک کنند (چشتی گجراتی، ۱۱ الف، ۱۲ الف و ۱۴؛ جمالی دهلوی، بی‌تا: ۱۱ الف) و فتوح اعطایی مردمی را دریافت می‌کردند (جمالی دهلوی، بی‌تا، ۲۷ الف). بزرگان طریقت چشتیه در برخی موارد از بازرگانان نیز فتوح دریافت می‌نمودند (سرور لاهوری، ۱۸۹۴، ۱/۳۲۰)؛ به طوری که بخش اعظمی از این فتوح به مصرف روزانه خانقاه (نظام‌الدین اولیاء، بی‌تا: ۵۵) و سایر نیازهای اتفاقی صوفیان و افراد ساکن در خانقاه اختصاص می‌یافته‌است (سرور لاهوری، ۲۸۹۴: ۱/۲۵۳-۲۵۲؛ چشتی، ۱۳۸۶: ۷۴). البته در متون صوفیانه مطالب در این زمینه به گونه‌ای اغراق‌آمیز منعکس شده‌است. شیوه‌های خرج کردن این نوع از هدایا به گونه‌ای غیرمنطقی توصیف شده‌اند: یا به سرعت میان فقرا تقسیم می‌شده‌اند، یا تنها به یک نفر هبه می‌شده‌اند و یا صرف انجام فعلی که به نظر نمی‌رسید هزینه‌ای این چنین لازم داشته باشد، می‌گردید. به نظر می‌رسد مناسبات حسنه‌ای که میان چشتیان و بازرگانان برقرار بود، از راه‌های تأمین منابع مالی صوفیان بوده‌است.

گزارش‌هایی که در باب طریقت سهروردیه در ایران و هند در دست است، به ندرت شامل پرداخت‌های عامه مردم به این طریقت می‌شود. اگرچه از لحاظ نظری بزرگان سهروردی در ایران توصیه به دریافت فتوح می‌کرده‌اند و در

^{۱۳}. دریکمورد پیرداختیسلطان به خانقاه هم‌کزی در ابرامن نقل شده‌اند خانقاه‌های کازرون نیم‌وجود در هند.

هند نیز شروحي که بر آثار این بزرگان نوشته می‌شد، این نکته را بازتاب می‌دادند (صاحب مرادآبادی، بی‌تا: ۲۶۰؛ علوی‌چشتی، بی‌تا: ۱۹۰/۱، ۲۲۸ و ۳۱/۲) و به بازرگانان نیز به طور اختصاصی پرداخته‌اند (ملفوظات جلال‌الدین مخدوم جهانیان، بی‌تا: ۱۵۹ ب)، اما بیشتر دریافتی‌های گزارش شده از این طریق مربوط به پرداختی‌های بازرگانان (سجزی، ۱۳۸۶: ۱۵۱؛ گجراتی، بی‌تا: ۱۲۰-۱۳۰؛ عباس‌رضوی، ۱۳۸۰: ۳۴۶؛ علوی‌چشتی، بی‌تا: ۵۸/۲) و یا افراد بسیار متمول است (ملفوظات مخدوم جهانیان، بی‌تا: ۲۲۹؛ سجزی، ۱۳۸۶: ۱۴۷-۱۴۸؛ قلندر، بی‌تا: ۱۹۱-۱۹۳؛ جمالی‌دهلوی، بی‌تا: ۵۶ الف؛ علوی‌چشتی، بی‌تا: ۱۹/۲) تا عامه مردم که روزانه به خانقاه مراجعه می‌کردند. شایان ذکر است که در طریقت سهروردیه برخلاف چشتیه به ندرت به کرامات اقتصادی اشاره شده است (ملفوظات جلال‌الدین مخدوم جهانیان، بی‌تا: ۱۵۴ الف). داده‌هایی که در باب طریقت سهروردیه موجود است، از رابطه تنگاتنگ این طریقت با بازرگانان حاکی است و به نظر می‌رسد این طریقت دریافتی فراوانی از آنها داشته‌اند و علاوه بر اینکه تمول طریقت را حفظ می‌کرده‌اند، به نوعی عامه مردم را نیز زیر چتر حمایت خود داشته‌اند. شاید بتوان ادعا کرد که طریقت سهروردیه در عمل دریافتی‌های خود از عامه مردم را به حداقل ممکن رسانده و بیشتر از عطایای دربار و بازرگانان بهره می‌برده است. در دوره مغول برای این طریقت در ایران اوقاف فراوانی دایر گردید (کیانی، ۱۳۶۹: ۲۳۱)؛ اما در شبه‌قاره هند به نظر می‌رسد با توجه به عدم گزارش‌های کافی اوقاف آنچنانی در اختیار نداشته‌اند.

طریقت کازرونیه به گونه‌ای متفاوت از این قبیل دریافتی‌ها بهره می‌برده است. دریافتی‌های کازرونیه در سده‌های بعد از ابواسحاق کازرونی بیشتر به سبب کارکردهای آن طریقت در زمینه دریانوردی و تجاری بود و اگر هم جنبه‌های کارکردی آن در دریا و راه‌ها مورد توجه است، بیشتر شامل حال افراد متمول و به‌ویژه بازرگانان می‌شود و به ندرت سخن از حضور عامه مردم رفته است. از پرداخت‌های مردمی به طریقت کازرونیه در هند هیچ داده‌ای در دست نیست و در ایران نیز از پرداخت‌های مردمی به این طریقت گزارش اندکی در دست است که بخش بیشتر آن مربوط به زمان خود ابواسحاق و جنبه مردمی بودن شخصیت وی و پیش از طریقتی شدن (بن‌عثمان، ۱۳۵۸: ۱۲۱، ۱۵۵، ۱۴۱ و ۱۶۰) است. اشارات اندکی هم که به دوران طریقتی شدن در دسترس است (روزبهان‌ثانی، ۱۳۸۲: ۶۳؛ جامی، ۱۳۹۰: ۱۸۵؛ بن‌عثمان، ۱۳۸۰: ۲۱۴)، افاده معنی نمی‌کند. از آنجایی که طریقت کازرونیه از زمان بانی آن با بازرگانان رابطه خوبی داشته (بن‌عثمان، ۱۳۵۸: ۱۷۴) و از حمایت‌های مالی آنها برخوردار بوده (بن‌عثمان، ۱۳۵۸: ۱۷۰) شاید بتوان گفت که این طریقت از این لحاظ دارای شباهت با سهروردیه، اما از لحاظ کارکردی متفاوت است.

در باب طریقت کبرویه اظهار نظر به سختی امکان‌پذیر است. داده‌های متون کبرویه در هند مطلب خاصی در این زمینه ارائه نمی‌دهند. در ایران نیز متون صوفیانه کبرویه به ندرت اشاره‌ای به این دریافتی‌ها از عامه مردم دارند و

متون غیرصوفیانه نیز به جز موقوفاتی که غازان و خواجه رشیدالدین فضل‌الله برای این طریقت دایر کرده‌اند، نکته اقتصادی دیگری به دست نمی‌دهند. در منابع طریقت کبرویه ایران و هند به ندرت به آمدن عامه مردم به خانقاه و دادن عطایای نقدی اشاره شده‌است، اما برخی شواهد در دست است که حاکی از ارتباط بزرگان این طریقت با تجار در شبه‌قاره هند (صاحب‌مرادآبادی، بی‌تا: ۲۷۱؛ علوی‌چشتی، بی‌تا: ۲۲۵/۱) و ایران (جامی، ۱۳۹۰: ۲۸۲؛ شوشتری، ۱۳۵۴: ۷۱/۲؛ کربلای‌تبریزی، ۱۳۸۳: ۳۲۱/۲) است. به نظر می‌رسد آنجایی که باخرزی در باب فتوح و لزوم آن و حلالیتش برای صوفیان سخن رانده (باخرزی، ۱۳۸۳: ۱۳۸)، بیشتر تحت تاثیر منابع مورد استفاده است تا اینکه بخواهد سیاست کلی طریقت در این زمینه را بیان کرده و یا در باب آن ایده‌پردازی کند. اینکه به برخی وقف‌های بیرون از دربار به این طریقت در ایران اشاره شده، بیشتر مربوط به اقدامات علاءالدوله سمنانی (جامی، ۱۳۹۰: ۲۷۹) و ابوالمفاخر یحیی باخرزی (م ۷۳۶ق.) (از بزرگان این طریقت) است (باخرزی، ۱۳۸۳: ۳۶-۳۹) تا عامه مردم.

نتیجه

طریقت‌های صوفیانه چشتیه، سهروردیه، کازرونیه و کبرویه در ایران و هند قرون هفتم تا نهم قمری بیسبب یافتند و بر شمار پیروان آنها روزبه‌روز افزوده می‌شد. خانقاه‌های این طریقت‌ها همواره پر از مریدان و مراجعینی بود که در آنجا ارتزاق می‌کردند. منابع مالی‌ای که به معیشت این صوفیان اختصاص داده می‌شد، از تنوع برخوردار بود. بخشی از هزینه‌های خانقاه‌ها را سلاطین، عامه مردم و بازرگانان به صورت نقدی و کالایی تامین می‌کردند. صوفیان به ندرت پیش می‌آمد که این کمک‌های اعطایی را رد کنند و زندگی اقتصادی آنها تا حدودی متکی بر این پرداختی‌ها بوده‌است. سلاطین و حکام و درباریان در بازه زمانی مورد نظر در شبه‌قاره هند بیشتر از ایران از صوفیان طریقت‌های موردنظر حمایت می‌کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد میان مناسبات سیاسی صوفیان با دربار و نسبت آن با دریافت‌های اقتصادی به ظاهر رابطه معناداری وجود ندارد و این پرداختی‌ها دلخواهانه بوده‌است. عامه مردم به عنوان بیشترین و تأثیرگذارترین مراجعین به خانقاه‌ها بخش اعظمی از منابع مالی آن را تامین می‌کرده‌اند. اما به همین میزان و یا کم و بیش برای خانقاه‌ها هزینه داشته‌اند. بازرگانان به عنوان متمول‌ترین قشر از عامه مردم بیشترین سهم را در حمایت‌های مالی از طریقت‌های موردنظر داشته‌اند. به نظر می‌رسد در تمامی تاریخ تصوف یک قشر خاصی همواره در هر شرایطی و به هر صورتی با آنها در ارتباط بوده و از آنها حمایت می‌کرده‌اند. هم بازرگانان بوده‌اند. معمولاً تفاوتی اساسی میان دریافتی‌های کالایی صوفیان از دربار با عامه مردم وجود داشته‌است؛ دربار بیشتر در پی اعطای کالاهای تزئینی بوده است و عامه مردم در پی رساندن مواد خوراکی.

منابع و مأخذ

نسخ خطی:

بگرامی (ذوقی بلگرامی)، عبدالواحد ابراهیم، سبغ سنابل، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس، شماره بازیابی: ۱۸۱۴۰/۱.

حسینی بخاری، سید جلال الدین حسین بن احمد (جلال الدین جهانگشت، مخدوم جهانیان)، سراج الهدایه (ملفوظات مخدوم جهانیان)، نسخه خطی موجود در کتابخانه رضا در شهر رامپور، تهیه شده از مرکز میکروفیلم نور دهلی، شماره میکروفیلم: ۵/۲.

حسینی بخاری، سید جلال الدین حسین بن احمد (مخدوم جهانیان، جهانگشت)، تحفه السرایر، نسخه خطی موجود در کتابخانه خانواده عالیہ چشتیہ، احمدآباد هند، شماره بازیابی نسخه: میکروفیلم ۹۲. خویشگی، عبدالله بن عبدالقادر، معارج الولاية فی مدارج الهدایه، نسخه خطی در فهرست میکرو فیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره بازیابی ۳۷۵۶-ف.

شکرگنج، شیخ فریدالدین مسعود، فوائدالساکین (ملفوظات قطب الدین بختیار کاکي)، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس به شماره بازیابی: ۱۹۵۳۱/۲.

عباس علوی چشتی، شیخ عبدالرحمن، مرآت الاسرار، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس، شماره بازیابی: ۶۵۴س.

کاشانی، حمادالدین بنعمادالدین، احسن الاقوال، ملفوظات برهان الدین غریب، نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره راهنما: ۹۷۴۵.

ملفوظات جلال الدین مخدوم جهانیان، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس، شماره بازیابی: ۱۷۸۱۱. نظام الدین اولیا، راحت القلوب (ملفوظات شیخ فریدالدین شکرگنج)، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس، شماره بازیابی: ۱۹۵۳۱/۳، شماره ثبت: ۲۱۱۶۹۶.

کتاب‌ها

ابن بطوطه، محمد بن عبد الله (۱۴۱۷)، رحله، تصحیح عبدالهادی تازی، ریاض، اکادیمیہ المملکہ المغربیہ. ابن فوطی، کمال الدین ابی الفضل عبدالرزاق بن احمد الشیبانی البغدادي (۱۴۲۴)، الحوادث الجامعۃ و التجارب النافعۃ فی المائۃ السابعۃ، تحقیق مهدی النجم، بیروت، دارالکتب العلمیہ. استرآبادی، محمدقاسم هندوشاه (۱۳۸۷)، تاریخ فرشته، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

باخرزی، یحیی (۱۳۸۳)، أورداد الأحباب و فصوص الآداب، تصحیح ایرج افشار، تهران، دانشگاه تهران.

بخاری دهلوی، بدرالدین اسحاق (بی‌تا)، اسرار الاولیاء (ملفوظات شیخ فریدالدین شکرگنج)، مطبع نامی منشی نول کشور، کانپور، بی‌تا، (چاپ سنگی).

بن عثمان، محمود (۱۳۵۸)، فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه، تصحیح فریتز مایر، به کوشش ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی.

بن عثمان، محمود (۱۳۸۰)، مفتاح الهدایه و مصباح العنایه (سیرت‌نامه سید امین‌الدین بلیانی)، تصحیح منوچهر مظفریان، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

بوزجانی، درویش علی (۱۳۴۵)، روضه‌الریاحین، تصحیح و تحقیق حشمت موید، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب. تتوی، احمد، قزوینی، آصف‌خان (۱۳۸۲)، تصحیح غلامرضا مجد طباطبایی، تهران، علمی و فرهنگی.

جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۹۰)، نفحات الانس من حضرات القدس، تصحیح محمود عابدی، تهران، سخن. جمالی‌دهلوی، حامد بنفضلالله، (۱۳۱۱)، سیرالعارفین، دهلی: مطبعه رضوی، (چاپ سنگی).

جوینی، عطاءالملک (۱۳۸۵)، تاریخ جهان‌گشای، تصحیح محمد قزوینی، تهران، دنیای کتاب.

چشتی، الله دیه بن عبدالرحیم (۱۳۸۶)، سیرالاقطاب خواجگان چشت، تصحیح محمد سرور مولایی، تهران، علم. حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۸۰)، زبده التواریخ، تصحیح کمال حاج سیدجوادی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حسینی چشتی بگلرامی، میرغلامعلی بن محمد نوح آزاد، (۱۳۱۰)، روضه الاولیاء، اورنگ آباد: مطبع اعجاز صفدری، (چاپ سنگی).

حسینی، سیدمحمد اکبر، (۱۳۵۶) جوامع الکلم (ملفوظات سید محمد حسینی گیسودراز)، تصحیح حافظ محمد حامد صدیقی، گلبرگه دکن: مطبع انتظامی کانپور حلیه. (چاپ سنگی).

خواندمیر، غیاث‌الدین بن هماد الدین، (۱۳۸۰)، حبیب‌السییر، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: خیام. روزبهان ثانی، ابراهیم بن صدر الدین (۱۳۸۲)، تحفه اهل‌العرفان، تصحیح‌جواد نوربخش، تهران: یلدا قلم. سجزی، امیر حسن (۱۳۸۶)، فوائد الفواد (ملفوظات خواجه نظام‌الدین اولیاء)، تصحیح محمد لطیف ملک، لاهور، بی‌نا.

سرور لاهوری، غلام (۱۸۹۴)، خزینه الاصفیا، کانپور، بی‌نا.

سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳)، مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین. به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سرهندی، یحیی بن احمد (۱۳۸۲)، تاریخ مبارک‌شاهی، تصحیح محمد هدایت حسین، تهران: اساطیر.

شوشتری، نورالله (۱۳۵۴)، مجالس المؤمنین، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی.

صاحب مرادآبادی، حافظ محمد حسین (بی‌تا)، انوارالعارفین، مطبع صدیقی، (چاپ سنگی).

طباطبا، سیدعلی بن عزیز (۱۹۳۶) برهان‌مآثر، دهلی، بی‌نا.

طبری، محمد بن جریر (بی‌تا)، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، بی‌نا.

عباس‌رضوی، سیداطهر (۱۳۸۰)، تاریخ تصوف در هند، ترجمه معتمد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

عقیق، شمس سراج (۱۳۸۵)، تاریخ فیروزشاهی، تصحیح ولایت حسین، تهران، اساطیر.

علوی میرخورد، محمد بن مبارک (۱۸۸۵)، سیرالاولیاء، لاهور، بی‌نا.

فسایی، حسن بن حسن (۱۳۸۲)، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر.

فصیحی خوافی (۱۳۸۸)، مجمل فصیحی، تصحیح و تحقیق سیدمحسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر.

قلندر، حمید (بی‌تا)، خیرالمجالس (ملفوظات شیخ نصیرالدین محمود چراغ دهلی)، تصحیح خلیق احمد نظامی، علیگره، مسلم یونیورسی.

کربلایی تبریزی، حافظ حسین (۱۳۸۳)، روضات الجنان، مقدمه و تکمله و تصحیح و تعلیق جعفر سلطان القرایی، تبریز، ستوده.

کرمانی، اوحدالدین حامد بن ابی‌الفخر (۱۳۴۷)، مناقب، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر.

کیانی، محسن (۱۳۶۹)، تاریخ خانقاه در ایران، تهران، طهوری.

محرابی کرمانی، سعید (بی‌تا)، تذکره اولیاء یا مزارات کرمان، به راهنمایی و مساعی سیدمحمد هاشمی کرمانی، بی‌جا، بی‌نا.

معصوم بکری، سید محمد (۱۳۸۲)، تاریخ سند (تاریخ معصومی)، تهران، اساطیر.

مناقب الاصفیاء در احوالات حضرت مخدوم جهان شیخ شرف‌الدین احمد یحیی منیری و حضرت مخدوم شاه شعیب ابن حلال منیری شیخپوری (۱۳۹۰)، به کوشش سید شاه شمیم‌الدین احمد منعمی، دهلی نو، مرکز تحقیقات فارسی راینی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران.

موسائی، سعیده (۱۴۰۰)، عملکردهای سیاسی و اقتصادی نقشبندیه در عصر تیموری، تهران، آرمان‌پژوهان.

نسوی، محمد بن احمد (۱۳۸۴)، سیرت جلال‌الدین منکبرنی، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، علمی و فرهنگی.

همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۹۳)، وقف نامه ربع رشیدی، تصحیح مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران، میراث مکتوب.

همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (بی‌تا)، تاریخ مبارک‌غازانی، تصحیح کارل یان، انگلستان، هرتفورد.

یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷)، ظفرنامه، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، مجلس شورای اسلامی.

مقالات:

اللهیاری، فریدون و نورایی، مرتضی و رسولی، علی، «طریقت و تجارت: کارکردهای تجاری نقشبندیه در دوره تیموری»، تاریخ اسلام و ایران، ش ۴، ۱۳۸۸.

حسینی نژاد، سیده سارا «نقش خاندان طیبی در تجارت فارس و هند در دوره مغول (بررسی موردی تجارت اسب)»، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، شماره اول، ۱۳۹۹.

سوقندی، محمدرضا و دیگران، واکاوی تاثیر فتوت و ملامتیه بر اقتصاد نیشابور قرن سوم و چهارم هجری، پژوهشنامه تاریخ، دوره ۱۵، شماره ۵۹، شهریور ۱۳۹۹، صفحه ۴۸-۷۵

صیامیان گرجی، زهیر و احمدوند، عباس و شیرین عظیمی، سمیه، «شیوه‌های معیشت صوفیان در ایران قرون میانه (۷-۵ق)»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، شماره اول، ۱۳۹۶.

معصومی، محسن و شیرازی، سعید، «بررسی مناسبات بین سلاطین دهلی و خلفای عباسی، تاریخ و تمدن اسلامی»، تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۱۷، ۱۳۹۲.

معصومی، محسن، شیرازی، سعید، «مناسبات سلاطین دهلی با مشایخ چشتیه و سهروردیه»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی ش ۱، ۱۳۹۲.

الواری هابیل، زینب (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر مسائل اقتصادی بر زندگی صوفیان مسلمان تا قرن هفتم هجری، دانشگاه رازی، دانشکده ادبیات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

شریفی، محدثه (۱۳۹۴)، نسبت تصوف و اقتصاد: مطالعه موردی: صوفیان و مشایخ نقشبندیه، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

The role of sultans, people and merchants in financing the expenses of the monasteries of the Sufi orders of in the Subcontinent of India and Iran in the 7th-9th centuries AH. (a Case Study *Chishtiyya, Suhrawardiyya, Kazeroniyya and Kobraviyya*)

Abstract:

Sufi sects such as *Chishtiyya, Suhrawardiyya, Kazeroniyya* and *Kobraviyya*, which gathered many followers and established their monasteries in many parts of Iran and India in the 7th-9th centuries AH. They are considered the most important known Sufism movements in the India and Iran. The *khanqahs* of the mentioned tariqas

were the living places of their dignitaries, Chiefs and elders and many disciples were always with them. People, also, visited these *Khanqahs* daily to resolve their spiritual and material needs. The spiritual life of Sufis (from top to bottom) has had two dimensions, spiritual and material. Contrary to popular belief, Sufi life was not based on mere asceticism and Sufis had to finance their daily material needs. By a descriptive- analytical method, this Study seeks to answer this question how the financial expenses of the Sufi *Khanqahs* of the mentioned tariqas in the subcontinent of India and Iran were financed. It seems that the major part of the expenses of the *Khanqahs* of the Sufi orders of *Chishtiyya*, *Suhravardiyya*, *Kazeroniyya* and *Kobraviyya* were provided by means of goods and cash donations received from the sultans of the subcontinent of India and Iran, daily gifts (=Fotuh) from the common people (both rich and poor), and large payments from merchants. In this sense, there have been many commonalities between these *Tariqas*.

Key Words: Sufism, *Khanqah*(=Monastery), Fotuh, Sultans, Merchants, India, Iran.